وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ یازدهم | چهارشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۸۳ | ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۲۵ - 16 June 2004

ریشه یابی افزایش بی امنی در افغانستان

ص ۳

گردهمایی سران گروه هشت و اصلاحات در شرق میانه

ص ۶

انتخابات، شک وتردیدها



حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان که جهت اشتراک در کنفرانس هشت کشور صنعتی جهان، عازم امریکا گردیده است روز یک شنبه در بیانیه یی گفت: مطمئن هستم که این بار انتخابات به تأخیر نیفتد زیرا مردم افغانستان خواهان اجرای آن هستند.

بر مبنای گزارش منابع خبری بین المللی وزیر امور خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا از طریق برنامه های یکی از تلویزیون های امریکا گفت که برای انتخابات در افغانستان ماه سپتامبر تعیین گردیده است اما دیده می شود که این انتخابات به تاخیر خواهد افتاد . در حالی که اخباری ضد و نقیض از منابع خبری بین المللی در مورد برگزاری انتخابات به نشر می رسد روز یک شنبه ۲۴ جوزا رادیوی فرانسه به نقل از خانم خاوری سخنگوی دفتر کمیسیون انتخابات اعلام داشت که تاریخ بر گزاری انتخابات برای دومین بار به تأخیر افتاد و تاریخ آن به بعد از سپتامبر موکول گردید. وی همچنان گفت تاریخ دقیقی برای انتخابات تعیین نشده است.

پس از اعلام این خبر رادیوی بی بی سی در برنامهٔ ساعت ۳ مؤرخ ۲۴ جوزا با پخش گزارشی از کنفرانس خبری دفتر نمایند گی سازمان ملل در کابل به تأخیر افتیدن انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان را که برخی از آژانس های خبری پخش کرده اند ، رد کرد. او وارد مکارین سخنگوی یونیما به خبرنگاران گفت تا کنون در مورد به تأخیر افتادن انتخابات ریاست جمهوری ص۷

رئیس دولت خواستار تقویت حضور ناتو شد

حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان از سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) خواسته است تا حضور نظامی خود را در افغانستان به منظور کمک به حفظ امنیت این کشور تقویت کند.

آقای کرزی در خواست کرده است که تا قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری افغانستان، بر تعداد واحدهای ناتو در این کشور افزوده شود.

در عین حال وی به گونهٔ مشخص از ایالات متحدهٔ امریکا خواسته است ص۷



نیم نگاهی به قانون انتخابات

ص۲

بررسی زندان های امریکا در افغانستان

سخنگوی نیرو های ائتلاف بین المللی درکابل گفت: هیأتی که برای ارزیابی وضعیت زندان های ائتلاف مؤظف شده بود ، کارخود را تکمیل کرده است .

تگر منسگر سخنگوی ائتلاف روز دوشنبه در یک کنفرانس خبری گفت که این هیأت ا زبیست زندان نیرو های ائتلاف د رافغانستان بازدید کرده است ودر حال حاضر برای تهیهٔ گزارش در این مورد کار می کند .

سخنگوی ائتلاف می گوید ژنرال ژاکوب که مسؤول بررسی زندانهاست بخشی کوچک از بررسی های خود را آشکار کرده است . اوافزود که پس از آشکار شدن بخشی از این بررسی های نیرو های ائتلاف از هم اکنون اقداماتی را برای تغییر روش برخورد با زندانیان آغاز کرده اند .

بررسی وضعیت زندانیان در بازداشتگاه ها ی نیرو های ائتلاف در افغانستان زمانی مطرح شد که خبر بد رفتاری سربازان امریکایی با زندانیان افغان در پی افشای رفتار ضد انسانی آنان با زندانیان عراقی در زندان ابو غریب در مطبوعا ت راه پیدا کرد.

شماری از سازمانها ی مدافع حقوق بشر و به خصوص سازمان دیدبان حقوق بشر با پخش اعلامیه یی گفته بود، که زندانیان در زندان های نیرو های ائتلاف مورد آزار جنسی قرا ر می گیرند . وگاهی هم ضرب وشتم می شوند. ص۸

واقف حکیمی مسؤول دفتر فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان در گفتگو با بخش عربی رادیو بی.بی.سی

تأخیر انتخابات به سود هیچ کسی نیست



بخش عربی رادیو بی.بی.سی در شام روز سه شنبه گذشته در بارهٔ برگزاری انتخابات گفتگویی با واقف حکیمی مسؤول دفتر فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان انجام داد، اینک فشردهٔ آن را به خوانندگان مجاهد تقدیم می کنیم.

واقف حکیمی در پاسخ به [illegible] پرسش بی.بی.سی که انتخابات چگونه به تأخیر افتاد. گفت:

قرار بود انتخابات در ماه جون برگزار شود، اما سه ماه، به دلیل تکمیل نشدن شمار کافی از ثبت نام کنندگان به تأخیر انداخته شد، قانون انتخابات که بیشتر از دو هفته پیش صادر گردید تاریخ دقیق برگزاری ص۷

دیدگاه ها پیرامون قانون انتخابات

احمد خالد قویاش دکتر ستاژر دانشگاه طب کابل:

قانون انتخابات یک فرمان دولتی است

توشیح قانون انتخابات توجه اقشار مختلف مردم مخصوصاً استادان و دانشجویان را به خود جلب نموده است. آنچه را در زیر می خوانید فشردهٔ نظریات احمدخالد قویاش دکتر ستاژر دانشگاه طب کابل در این باره است

اگر واقعبینانه حرف بزنیم، انتخابات وقانون آن در گذشتهٔ افغانستان بی سابقه است . اما این قانون دارای برخی نقاط منفی می باشد که باید آن را انتقاد کرد.

قانون انتخابات مانند قانون اساسی



که توسط نمایندگان مردم به تصویب رسید از اهمیتی خاص برخوردار می باشد. اما بر خلاف قانون اساسی، این قانون را نه نمایندگان مردم که افراد دولتی ساخته اند و این نکته را می توان در سرخط انتقادات قرار داد.

آقای قویاش قسمتی از بند هفتم مادهٔ چهل وچهارم قانون انتخابات را که نامزد شدن به ریاست جمهوری را، مشروط به تقدیم کاپی ده هزار کارت رأی دهندگان به سطح ملی که از اقوام وولایات مختلف کشور باشند، قلمداد نموده است. مورد انتقاد قرار داد وگفت: اکثر مردم را دیده ام که می گویند، رأی خود را در بدل پول می دهیم . بناءً اگر هدف از به دست آوردن کاپی ده هزار کارت از رأی دهندگان باشد، زمینهٔ مساعد وخوبی را برای قدرت مندان وپولداران مهیا می سازد که این امر خلاف قانون بوده و انتخابات را غیر عادلانه جلوه خواهد داد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تاسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادۀ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سیاسي فرهنګي مبارزه دنظام جوړوني ضرورت

دجهاد او مقاومت مشر استاد رباني په هغې درنده غونډه کې چې، دبیا سازمان ورکولو او دنوي دریځ داعلان په باب جوړه شوي وه، د نورو ګټورو موضوعګانو په څنګ کې، په فرهنګي برخه کې وویل: جمعیت یوځل بیا خپل قوي بستر ته چې هغه سیاسي -فرهنګي مبارزه ده ګرځیدلي او زموږ دتنظیم ټول وسله وال نور داسلامي انتقالي دولت دملي اردو او پولیسو پوري اړه لري.

داستاد له دغه وینا څخه څرګندیږي چې هغوي د زړه له کومي غواړي چې افغانستان دپوځي سیالیو او جګړو له لاري نه، بلکي دټولو افغانانو ترمنځ دنیک تفاهم، خبرو او دیالوګ له لاري له بحران څخه ووځي. دوي دهمدغه هدف له پاره څو ورځي مخکي له یو شمیر نورو ګوندي او جهادي شخصیتونو سره یوځای د دولت له مشرتابه سره دهغو ستونزو او مسئلو په باب مفصلي خبري وکړي چې نن ئي پرمخ کي پرتي دي. که څه هم د دولتي مطبوعاتو له لاري دغه راز خبري دبیلابیلو سلیقو له مخي تعبیر شوي،

ځینو وویل چې استاد له کرزي صاحب سره ائتلاف وکړ او ځینو ولیکل چې په غونډه کې د دولتي څوکیو د ویش په باب خبري وشوي خو اصلاً خبري په هغه ستونزو څرخیدلي چې اوارول ئي د ورځي یو ضرورت دي.

دساري په توګه د دین او دیموکراسي، دین او سیاست، انتخاباتو، امنیت، بې وسلي کولو، ترهګرۍ، دښځو دحقوقو، دبشر دحقوقو، دنړیوالي ټولني دحضور، دطالبانو، وحدت ملي، دبې باوري دبحران، ملي هویت او په سلګونو داسي نورو مسئلو په باب خبري اتري وشوي، داټولي هغه قضایاوي دي چې باید څو اړخیزه بحث پري وشي او دهغوي په باب یو تفاهم منځ ته راشي. مخ۷

محمد نسیم فقیری

نیم نگاهی به قانون انتخابات

باوجودی که قانون انتخابات در وسایل ارتباط جمعی داخلی وخارجی مورد نقد وبررسی قرار گرفته است؛ در این نیم نگاه به چند مورد دیگر اشاره می شود و از نامناسب بودن بعضی از واژه ها وترکیب جمله ها چشم پوشی می گردد؛ زیرا با تأسف که در قانون اساسی ما نیز این نابه سامانی ها فراوان است:

۱- مادۀ یازدهم قانون انتخابات می گوید:

«حوزه های انتخاباتی ولایات، ولسوالی ها برای انتخاب اعضای ولسی جرگه ... توسط فرمان رئیس دولت(۱۲۰)

در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی وعادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید

روز قبل از انتخابات مربوط، تعیین واعلام می گردد" حال آن که در مادۀ ۸۳ قانون اساسی به صراحت آمده است:

"... حوزه های انتخاباتی وسایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد."

بنا بر این مادۀ یازدهم این قانون باحکم مادۀ ۸۳ قانون اساسی مخالفت آشکار دارد!

از سوی دیگر اگر قرار باشد که حوزه های انتخاباتی و ... توسط فرمان رئیس دولت(۱۲۰) روز یعنی چهار ماه پیش از برگزاری انتخابات مورد نظر"تعیین واعلام" گردد،بی تردید برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی اگر در موعد معین اجرا شود کمتر از چهار ماه مانده است.

۲- در فصل پنجم مادۀ شانزدهم، فقرۀ سوم(کاندید وانتخاب رئیس جمهور) هفت موردی ذکر شده که کاندیداها نمی توانند به آن اعمال، متوسل شوند.

و این هفت مورد در مادۀ ۲۰(کاندیداهای ولسی جرگه) و در مادۀ ۳۰ (انتخابات شورای ولایتی) و مادۀ ۳۵ (انتخابات شورای ولسوالی) نیز تکرار شده است که بدین حساب سه بار تکرار و۲۱ سطر را اشغال کرده است تا در فصل چهارم و در ذیل شرایط انتخاب شوندگان برای یک بار ذکر می گردید.

۳- مادۀ هفدهم تکرار مواد ۶۱ و۱۶۱ قانون اساسی در مورد انتخاب رئیس جمهور و آغاز به کار اوست.

۴- مادۀ هجدهم تعداد کرسی های ولسی جرگه را ۲۴۹ کرسی معین کرده که برای ولایات به تناسب نفوس شان اختصاص داده می شود ولی از اقلیت های هندو وسک ذکری به عمل نیامده ولازم بود تا حداقل یک یا دو کرسی به صورت سهمیه برای این اقلیت در نظر گرفته می سد.

گفتنی است که سهمیۀ مذکور مشارکت این هموطنان ما را در امورکشور یقینی می سازد؛ زیرا احتمال دارد که از طریق انتخابات عمومی نتوانند که به شورا راه بیابند.

۵- در فقرۀ یک و دوی مادۀ بیست و دوم جملات "تعداد آرای حاصله" و "بیشترین آراء" در مورد انتخاب نمایندگان به کار رفته است که صراحت ندارد ولازم بود ترتیبی اتخاذ می گردید که نمایندگان با اکثریت آرای انتخاب کنندگان به شوراها راه می یافتند وتعداد آرا مشخص می گردید. به طور مثال یک چهارم کل آرا ویا ...

۶- فصل هفتم به انتخابات اعضای شوراهای ولایات و ولسوالی ها اختصاص یافته است و در مورد شوراهای قریه ها چیزی گفته نشده است. حال آن که در مادۀ ۱۴۰ قانون اساسی از تشکیل شوراهای قریه ها در کنار شوراهای ولسوالی ها تذکر به عمل آمده است.

۷- در فقرۀ دوم مادۀ سی وششم آمده است:

"در هر ولسوالی دو کاندید اناث که بیشترین آرا را به دست آورده اند، انتخاب می گردند. کرسی های باقی مانده ..." در حالی که طبق مادۀ ۳۳ هرگاه یک ولسوالی ۲۰ هزار نفوس داشته باشد، تعداد اعضای شورای آن پنج نفر خواهد بود. پس در این صورت طبق حکم ماده ۳۶ بایست ۲ نفر از این ۵ نفر زن باشند! و در جامعۀ افغانی که هنوز شرایط برای سهم گیری زنان در امور اجتماعی و به ویژه انتخابات در اکثر مناطق مساعد نیست و اساساً در اکثر ولسوالی ها خود زنان نیز علاقه مند به سهم گیری در این امور نمی باشند، پس چگونه می توان حکم این ماده را متحقق ساخت! وچگونه می توان به شوراهای ولسوالی ها باترکیبی که به وجود خواهد آمد، منهای زن مشروعیت بخشید؟!

وآیا وضع همچو قیود وباید ها در مطابقت باخواست خارجی ها ومنابع کمک دهنده صورت نگرفته است؟!

وآیا واقعیت ها ورسوم جامعۀ افغانی زیر پا گذاشته نشده است؟!

۸- مادۀ ۸۳ قانون اساسی می گوید:

"... در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی وعادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید وبه تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد." ولی مادۀ ۲۳ قانون انتخابات، این وظیفه را به کمیسیون مستقل انتخابات سپرده است واین بار نیز مسؤولیتی را که قانون اساسی به آن محول ساخته بود - مانند تعیین حوزه ها - به مرجع دیگر(کمیسیون انتخابات) واگذار نموده است!!

پس باوجود این همه قیدها، باید ها وتاکید ها وترکیز ها چگونه می توان انتخابات شورا را انتخابات آزاد وعمومی خواند وشورایی که با این ترکیب وطبق این قانون به وجود خواهد آمد، واقعاً از مردم نمایندگی خواهد کرد؟!

وآیا بهتر نبود به جای تحمیل زنان بر رأی دهندگان برای آنان نیز

مادۀ هجدهم تعداد کرسی های ولسی جرگه را ۲۴۹ کرسی معین کرده که برای ولایات به تناسب نفوس شان اختصاص داده می شود ولی از اقلیت های هندو وسک ذکری به عمل نیامده ولازم بود تا حداقل یک یا دو کرسی به صورت سهمیه برای این اقلیت در نظر گرفته می شد

یک سهمیه در ولسی جرگه ومشرانو جرگه در نظر گرفته می شد و در جلسۀ مشترک پارلمان به کاندیداهای آنان توسط نمایندگان مردم رأی داده می شد؟

ریشه یابی
افزایش بی امنی در افغانستان

کوه نوری

چیزی نزدیک به سه سال از سقوط رژیم طالبان می گذرد. طالبان در نتیجۀ مبارزات مردم افغانستان ویاری جامعۀ جهانی سقوط کردند واین درست زمانی بود که هزاران جنگ جوی خارجی در کنار آنان در افغانستان مشغول ویرانی وکشتار بی رحمانۀ مردم ما بودند.

هرچند جهان هرگونه پیوند ومداخله در شکل گیری حرکت طالبان را نفی می کند، ولی واقعیت این است که در پی سقوط رژیم های کمونیستی در دنیا وآزادی کشورهای اروپای شرقی

سقوط طالبان وحضور نیروهای جامعۀ بین المللی در افغانستان، مایۀ دلگرمی مردم این کشور شد

وجمهوریت های اتحاد شوروی وقت، غرب که حریف پرقدرت ومخوفی را به کمک مردم افغانستان از پا در آورده بود، مردم افغانستان را به حال خودشان رها کرد وپروژۀ طالبان راه اندازی شد ومصیبتی دیگر برمردم افغانستان تحمیل گردید که نمونه یی دیگر از تجاوز علنی وآشکارا بود.

در این مقال کوچک مجال کافی برای پرداختن به پیشینۀ این بدبختی مردم افغانستان نیست و حالاکه در مرحله یی سرنوشت ساز قرار داریم، اگر از بحران رهبری درمیان رهبران وزعمای افغانستان بگذریم، عوامل دیگری در افزایش بی امنی وقامت افراشتن دوبارۀ تروریزم در افغانستان چهره نمایی می کند که می خواهم به نکات مهم آن اشاره کنم.

سقوط طالبان وحضور نیروهای حافظ امنیت جامعۀ بین المللی در افغانستان، مایۀ دلگرمی مردم این کشور شد وما شاهد بودیم که در طی دو سال گذشته چیزی نزدیک به سه میلیون افغانی از مهاجرت در حالی برگشتند که دولت نو بنیاد شان هنوز گرد تکانی می کرد وفقر وتنگدستی گریبان ملت و دولت را گرفته بود وبا این همه، دولت که همکاری جامعۀ جهانی را باخود داشت، با تدوین وطرح برنامۀ فراگیر وارد عرصۀ خدمت گذاری به مردم نگردید، با استفاده از وضع طالبان در بخش های وسیعی از افغانستان مانند موسیچه های بی آزار قلمداد شدند واین مجال برای طالبان ورهبران شان- با آنکه نیروهای امریکایی این جا وآن جا در جنوب وجنوب شرق افغانستان عملیات جستجو را برای دستگیری اسامه وملا عمر وسایر بلند پایگان طالبان والقاعده دنبال می کردند- این زمینه را مساعد ساخت تا ساختار تشکیلاتی متلاشی شدۀ شان را سر وصورتی بدهند وشورای نظامی ده نفری به رهبری ملاعمر را ایجاد کنند.

عملکرد دولت در قبال مجاهدین، عامل دیگری است که می تواند بی امنی زا باشد، زیرا مجاهدین که در طی دو دهۀ گذشته در برابر تجاوز شوروی وتروریزم قامت افراشتند، این بار از سوی تعدادی از حلقات معلوم در دولت به عنوان جنگ سالار وتفنگدار خطاب شده و خواستند به گونه یی غیر واقعبینانه آنها را از ساختار اردو وپلیس ملی حذف کنند.

سیاست "حذف مجاهدین" از هر منبعی که نشأت کرد، ناپختگی کارگذاران آن را به نمایش گذاشت؛ زیرا مجاهدین متهم به تداوم جنگی که پس از پیروزی آنان در کابل وشهرهای دیگر افغانستان اتفاق افتاد و دست مداخلات همسایگان مان در آن دخیل بود، شدند و برخی بدون توجه به واقعیت های عینی جامعه خوب وبد را در یک پلۀ ترازو وزن می کنند.

ترفند حذف فزیکی وسیاسی مجاهدین از کارزار دولت و دولتمداری هرچند برنامۀ تدوین شده است، ولی در گذر دو سال ونیم پس از سقوط طالبان، ناعملی بودن وغیر واقعبینانه بودن آن به اثبات رسیده است.

یکی دیگر از برنامه های قابل دقت در این راستا برنامۀ دی.دی.آر است که در اصل خوب بودن برنامۀ دی.دی.آر نمی توان شک برد وتردید داشت. ولی برنامۀ دی.دی.آر از آن رو قابل تأمل و دقت است که از یکسو این برنامه از مناطقی آغاز گردیده است که در آنجا طالبان والقاعده وجود نداشته واگر ریشه هایی از این دو بلای وحشت هم مانده است بی رمق است، از سوی دیگر برای آنان که از صفوف اردو حذف می شوند وبه ملکی سازی روی می آورند، فرصت های شغلی مناسب که با آن بتوانند خانواده های شان را اداره کنند، میسر نمی گردد.

واقعیت این است که پول های کلانی در افغانستان به مصرف رسید که با این پول ها می شد دولت با برنامه ریزی مشخص وپلان شده فرصت های شغلی برای پیوستگان به برنامۀ دی. دی. آر را برابر می کند.

بی برنامگی دولت برای حال و آینده که اینک به یک بیماری علاج ناپذیر مبدل گردیده است، چنان در تار وپود جامعه ریشه دوانیده است که مصیبت مواد مخدر وتروریزم را می تواند به نحو قابل ملاحظه یی قوت بخشد وچنان که دیده می شود، چنین شده است.

عدم دسترسی دولت به محلات دور دست ونپرداختن به بازسازی واحیای ساختار زیربنای اقتصادی در روستاها وشهرهایی غیر از کابل هرات وقندهار، مردم را به دولت بی باور نموده است و در پهلوی همۀ این عوامل، لجام گسیختگی بعضی از غرب برگشتگان که اکنون در رده های بالایی دولت جای دارند در برابر مسائل عقیدتی ودینی مردم افغانستان، سبب گردیده است تا فاصله میان مردم و دولت را بیشتر سازد واین حساسیت در مناطق جنوب وجنوب شرق با توجه به عمق وریشۀ طالبان در آن مناطق بیشتر گردیده است.

عدم دسترسی دولت به محلات دور دست ونپرداختن به بازسازی واحیای ساختار زیربنای اقتصادی در روستاها وشهرهایی غیر از کابل هرات وقندهار، مردم را به دولت بی باور نموده است

له جنوبي وزيرستان څخه دافغاني مهاجرينو د وتلو امر

دخبري سرچينو په وينا، له څلورو ورځو را په دې خوا دجنوبي وزيرستان دشينكي په سيمه كې پاكستاني پوځ پراخ هوائي او ځمكني عمليات پيل كړي دي. ددغې سيمې كڼ شمير خلك دسختو بمباريو له امله، وانې او نورو سيمو ته د تيښتې او كډې كولو په حال كې دي. كه څه هم د دغې سيمې زياتره برخه دپاكستاني سر تيرو تر ولكې لاندي راغلې ده، خو په نوموړه سيمه كې ني څه دپاسه شپيتو زرو ميشت افغان كډوالو ته خبر داري وركړې چې د ۷۲ ساعتو په موده ك له سيمې څخه ووزي. په دې كار سره افغاني مهاجرين له سختو ستونزو سره مخامخ شوي دي. او له پاكستاني مقاماتو څخه ني غوښتنه كړې چې دغه موده تمديد كړي ترڅو دوي خانونو ته دسرپناه دپيدا كولو جوګه شي او خپل كار ته سمون وركړي.

دغه راز چلند دكډوالو له نړيوالو كنوانسيونو څخه بربنډه سرغړونه ده.

زنان وقاچاق مواد مخدر

قرار گزارش مسؤولان امنیتی شهر کابل، در این اواخر نقش زنان در قاچاق مواد مخدر افزایش یافته است. نیروهای امنیتی در یک هفتۀ گذشته مقدار زیاد تریاک وچرس را از نزد زنان کشف وضبط کرده اند که از جلال آباد به کابل انتقال می یافت.

یک اختطاف کنندۀ کودکان توسط مردم مجازات شد

شام سه شنبه گذشته در منطقۀ دشت برچی کابل، در اثر زد وخورد، یک تن کشته و دوتن دیگر مجروح گردید. بر اساس گفتۀ یک مقام وزارت داخله، ساکنان منطقۀ دشت برچی شخصی به نام حاجی عبدالخالق وفضل الرحمن وسردار را مورد لت وکوب دسته جمعی قرار دادند که در نتیجه فضل الرحمن جان داده است و دوتن دیگر شدیداً زخمی شده اند.

همچنان وی گفته است: مردم این محل می گویند که این سه تن را به اتهام ربودن اطفال دستگیر نموده بودند و آنها را مورد لت وکوب قرار داده اند. گفته شده است که پلیس محل می خواست دو تن دیگر را با خود انتقال دهد که مردم مانع شدند وبالآخره در اثر مقاومت پلیس دو تن در چنگ پلیس افتاد. جزئیات بیشتر قضیه تاهنوز روشن نیست.

حمله بر کارکنان سازمان ملل

یک کاروان حامل کارکنان سازمان ملل متحد، گروه بازسازی ولایتی وسربازان ارتش ملی افغانستان در منطقۀ گومل ولایت پکتیکا هدف حملۀ مسلحانه قرار گرفت.

گلاب منگل والی پکتیکا نیز درمیان کاروان بوده است.

خندهٔ صبح

عزیز روزبه

رو رو آخر کز چنین دامی دگر باید دوید
پای عقلی گرنماند خوش به سر باید دوید
آنک آمد آتشی تاخشک وتر سوزد به خویش
مصلحت شد تا که باهرخشک وتر باید دوید
عافیت را اغنیا باسیم وزر قاپیده اند
جیب بیرون کن که نک بی سیم وزر باید دوید
سایه از ما بیم دارد در تموز دست شور
تشنه تاپیدای آن سوی نظر باید دوید
زنده ام تازندگانی هست میدانی که زان
تاغنیمت نگذرد زین بیشتر باید دوید
زندگی خود خندهٔ صبحیست این گل غنچه را
چهار نعل این برگ را همچون مطر باید دوید

طمع

خوشحال ختک

دنیائی یاران چی طمع د دنیا کا
عاقبت به یوه طمع خان جداکا
دیدنی یاران په کار دی په دنیا کی
چی یاری د دیدن په تمنا کا
که په خپله رضا درومی چاره نشته

که زما په رضا درومی خوله به راکا
په بار بار دهغه باد منت راباندی
چی پلو په مخ نیولی مخ ئی واکا
صدرحمت دعاشقانو په همت
چی په طمع د دیدن دسر سودا کا
په رقیب به ئی بی تیغه مرگرواشی
که دلبره دخوشحال مقصود رواکا

اندرزهای شاهنامه

سهراب پرند

بخش دوم

برآن بودم که در یکی دومقالهٔ کوچک ، پاره یی از اندرزها و نکات آموزنده ء شاه نامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی را فراهم و به خوانندگان پیش کش کنم .

هرچه در ون متن شاهنامه، پیش تر رفتم ، پهنای این عرصه را وسیع تر از آن یافتم که بتوان آن را در یکی دومقال گفت.مصمم شدم تا اگر ایزد یگانه توفیق رفیق راهم کند ، این مبحث را از آغاز تاانجام شاه نامه پی بگیرم و این کار برای خواننده یی که در گیرو دار عصر ماشین ، از خود بیگانه تر می شود، بی بهره از خوبی هایی نخواهد بود.

شاهنامه کتاب بزرگی است . وقتی خواننده گردان شاهنامه را آغاز می کند ، افزون بر حکایات و روایات و افسانه و تاریخ ،هزاران نکات آموزنده را در آن می یابد که برای ما آدمهایی که از اثر تداوم جنگهای دراز مدت،صد گونه درد و رنج و بیمار ی گریبان مان را در چنگال خود دارد ، درمانگر روان تن خواهد بودو اکسیر اعظمی، که همانند معجونی شفابخش، ما را به آرامش خاطر بکشاند.

برای رسیدن به این مطلب، این مقدمه را بسنده می دانم و شاهنامه را از آغاز می گشایم و نکات مطلوب را به شما پیش کش می دارم .

حکیم خردمند طوسی، این گونه وارد بحث سرایش شاهنامه می شود:

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه بر نگذرد
خداوند نام و خداوند جای
خداوند روزی ده ورهنمای
خداوند کیهان و گردون سپهر
فروزنده ء ماه و ناهید ومهر
زنام ونشان و گمان برتر است
نگارنده ء برشده گوهر است
به بینندگان آفریننده را
نبینی مرنجان دو بیننده را
سخن هرچه زین گوهران بگذرد
نیابد بدو راه جان و خرد
خرد را و جان را همی سنجد او
در اندیشه ء سخته کی گنجد او
ستودن نداند مراورا چوهست
میان بندگی را ببایدد ببست
خرد گر سخن برگزیند همی
همان به گزیند که بیند همی
بدین آلت و رای و جان و روان
ستود آفریننده را کی توان
به هستیش باید که خستو شوی
زگفتار بیکار یک سو شوی
پرستنده باشی و جوینده راه
بفرمان ها ژرف کردن نگاه
توانا بود هرکه دانا بود
زدانش دل پیر برنا بود
از این پرده برتر سخن گاه نیست
به هستیش اندیشه را راه نیست

خرد و تعقل در هرعصر و زمانی مایهٔ عزت و برتری آدم ها بوده ست . درست گفته اند که در پهلوی سایر امتیازات، آنچه انسان را از سایر موجودات زنده متمایز می سازد خرد و رزی انسان و اندیشمندی او بوده است .

حکیم طوسی در شاهنامه اش بار بارخرد را ستوده و ما را به داشتن و اهمیت دادن به آن فرا خوانده است .

ببینیم فردوسی چگونه پس از ستایش خداوند و حمد او درستایش خرد داد سخن می دهد:

خرد بهتراز هرچه ایزدت داد
ستایش خرد را به از راه داد
خرد افسر شهریاران بود
خرد زیور نامداران بود
خرد زنده ء جاودانی شناس
خردمایه ء زندگانی شناس
خرد رهنمای و خرد دل گشای
خرد دوست گیرد به هردو سرای
ازو شادمانی و زو مردمیست
ازویت فزونی و زویت کمی است
خرد تیره و مرد روشن روان
نباشد همی شادمان یک زمان
چه گفت آن خردمند مرد خرد
که دانا زگفتار او برخورد
کسی کو خرد را ندارد ز پیش
دلش گردد از کرده ء خویش ریش
هشیار دیوانه خواند ورا
همان خویش بیگانه داند ورا
ازویی به هر دو سرای ارجمند
گسسته خرد پای دارد به بند
خرد جسم و جان است چون بنگری
تو بی جسم شادان جهان نسپری
نخست آفرینش خرد را شناس
نگهبان جانست و آن سه پاس
سپاس توگوش است وچشم وزبان
کزین سه رسد نیک و بد بی گمان
همیشه خرد را تو دستور دار
به بدو جانت ازناسزادور دار
به گفتار دانندگان راه جوی
به گیتی بپوی و به هرکس بگوی
زهر دانشی چون سخن بشنوی
زآموختن یک زمان نغنوی
چودیدار یابی به شاخ سخن
بدانی که دانش نیاید به بن

دسلو سردار دي مه مره

ش - زيارمل

وائي يوه ورځ باچا خپل وزيران راټول كړل، ورته ئي وويل: دهغي فلاني سيمي له سپين ږيرو څخه ډير په تنګ يم، خبره مي نه مي، تاسو ر واياست دهغوي په وړاندي څه وكړو؟

وزيرانو له زياتو خبرو اترو باچاته وړانديز وكړ، چي دهر مشر په مقابل كي دي يو كشر و روزل شي، بيا دي دكشر په واسطه مشر له مينځه يو وړل شي نو په دي توګه به يو ډول چاڼ وشي او دمشرانو ځاي به كشران ونيسي او حالات به آرام شي.

دباچا دغه وړانديز خوښ شو او دهر مشر په وړاندي ئي يو كشر وروزه. په كافي اندازه تنخوائي هم ورته وټاكله او دنده ئي وركړه، چي له خپل مشر خان وژغوري. هماغه و چي ديسو په زور ئي دهغه اولس مشران، په لږو ورځو كي له مينځه يو وړل. يواځي يو سپين ږيري چي دباچا په پلان خبر شوي و خپل كشرته وويل: ما مه وژنه. هسي مي هم شپي او ورځي پخي دي پخپله مرم. ته راباندي خوشي په خوشي خان مه ګناهګاروه او كه ژوندي دي پريښودم كيدي شي چي په درد مو دواشم.

كشر ئي خبره ومنله او سپين ږيري ئي دحلكو له نظره په كوم ځاي كي پټ كړ، خوراک څښاک به ئي هسلته وركاوه او بنه ئي ساته. څه موده لاتيره نه وه چي ټول كشران باچا راوغوښتل او ورته ئي وويل:

تاسو ټول بيكاره په كورناست ياست او هيڅ كار نه كوئ، له دي وروسته دا وړيا تنخواګاني چاته نشم وركولاي. تاسي ټول لاړ شئ او دهماغه وړاندي د بسمي له شكو څخه پري تاو كړئ. هرچا چي دا كار ونه كړاي شو تنخوا ورته نه وركوم.

كشران د باچا په دي خبره حيران شول خپلو منځو كي ئي وويل داخو يو ناشوني كار دي. اوس به څه كوو؟ يو په كي وويل كاشكي خپل مشران مو نه وي وژلي. اوس به ني زاله لاره ښودلي وي، په دي وخت كي هغه كشر چي خپل مشرئي ساتلي وه. اجازه وغوښتله او ولي ويل: ما خپل مشر ساتلي دي. له هغه نه به مشوره وغواړو او دحل لار به پيدا كړو.

ددي خبري په اوريدو ټول خوشحاله شول او سملاسي ئي مشرته مراجعه وكړه. مشر ورته وويل مه خپه كيږئي دا ډيره آسانه خبره ده. تاسي با چا ته وواياست چي ستاسو امر زموږ په سترګو، خو مهرباني وكړئي دتېرک له پاره، تاسو په خپله مباركو لاسونو، ددي پري افتتاح وكړئ. او يو څو ولـه ئي تاو كړئ چي بختور شي.

كشران لاړل او همدا دمشر خبره ئي باچاته وكړه. باچا په دي خبرو حيران شو وزيرانو ته ئي مخ واړاوه او وي ويل: په دوي كي اوس هم يو مشر پاتي دي چي دامشوره ئي وركړي ده. په همدي سره كشران دباچا له مصيبت نه وژغورل شول

په رښتيا وائي چي سل دي ومره خو دسلو سردار دي مه مره! كاشكي زموږ په ټولنه كي دسپين ږيرو قدر كيدي دهغو خبري منل كيدي. دسپين ږيرو خبري خو دهغوي د اوږده عمر د ډول ډول تجربو ثمره ده. دغه راز خبري خو دكاني كرښي دي. هغه ټولني او اولسونه به نيكمرغه وي چي په هغو كي دسپين ږيرو له سلا مشورونه خلک برخمن وي او ددغه راز مشورو په رڼا كي به ټولو ستونزو د بري لاره ولټول شي.

این، داستانی است از زندگی یکی از خواهران با شوهرش در سفر رنج و شکیبایی و بازگشت به سوی خدا و سپس رسیدن به زندگی پربار و لذت بخش است، زندگی یی که این خواهر آرزویش را در دل می پرورانید. این داستان بیانگر اهمیت حرکت در راه دعوت به سوی خداست که از بستگان نزدیک و دوستان صمیمی آغاز می گردد. و چنین یک کار، و ظیفه و مسؤولیت نخستین هر مسلمان پنداشته می شود، چنان که خداوند متعال می فرماید: (قل هذه سبيلي أدعو الي الله علي **بصيرة أنا و من اتبعني و سبحان الله و ما أنا من المشركين**).

"**بگو: راه من این است که آگاهانه من و پیروانم، به سوی خدا فرا می خوانیم، و خدا پاک است و من ازجمع مشرکان نیستم**".

به راستی که این خواهر عزیز در مجال دعوت و در عرصهٔ تدین الگویی است نیکو و شایان اقتدا، حالا چند و چون موضوع و حقیقت داستان را از خودش می شنویم:

به بهانهٔ روز مادر

بازگشت شوهر

ترجمه از تقدسی



بی هوش به زمین افتاد..!

این بار اول نیست.. از دو سال به این طرف که عروسی کرده است از مشکلات روانی، پیهم رنج می برد..!! به او گفته بودند که وی (شوهرش) مردی خوب وبادیانت است..! در وجودش نیروی خیر سراغ می شود.. می توانی بر او تأثیر بگذاری، تا به امور دین توجه کند.. و بر نماز ها مواظبت نماید.

خواهر کوچکت، پیش از تو ازدواج کرده است.. و گمان می برم که ازدواج شما با این مرد، پیوندی خوب و میمون باشد..! مادرم بر ازدواج با این مرد، اصرار کرد، او زندگی خوب دارد.. و از خانوادهٔ مشهور واصیل است، و وظیفه اش هم بد نیست. مظاهر فریبا برایم مهم نیست.. از دین داری و تقوایش پرسیدم، چیزی که بسیار برایم اهمیت دارد.. مردی نیکو کار می باید که در کارهای شایسته و اطاعت خدا، آدم را یاری رساند.. اگر چنان مردی، دوستم بدارد، پاسم می دارد، و اگر بدم ببیند به طریقه یی نیکو رهایم می کند.. چقدر داستان هایی غم انگیز وجود داردکه شوهران در اثر بدخلقی و بی باکی، بر زنان خود ظلم روا می دارند...!!

در رؤیای کسی بودم که در دل شب، به نماز، بیدارم کند..!

اشک می ریزم که ای کاش! مردی نصیبم شود که در عبادت الهی همکارم باشد، و با او در سایهٔ رضا و رحمت خدا زندگی کنیم.. هر دو، دوشادوش به سوی خدا حرکت نماییم.. و نقش قدم پیامبر ویاران گرامی اش را دنبال کنیم.

در رؤیای مردی بودم که فرزندانم را تربیت درست و اسلامی کند..

گویا برکنار دروازه یی ایستاده ام، اشوهر و فرزندم به جانب مسجد می روند.. دعا کردم که شوهرم بگوید: امروز چقدر قرآن حفظ کردی..؟ و چند پاره تلاوت نمودی؟

در خواب می دیدم که با کودک خود، پیش روی کعبه ایستادیم و دعا می کنیم.. در صورتی که اجری وپاداشی در میان باشد، فرزندانی زیاد به دنیا خواهم آورد، کسانی که خدا را به یگانگی بشناسند و بپرستند.

مدتی طولانی غرق این گونه رؤیاها بودم.. به هر حال خداوند را سپاس می گویم... به خاطر ثواب و طلب اجر، در برابر شوهرم صبر کردم.. درآغاز به نماز علاقه نشان می داد.. با گذشت زمان به کاهلی و تکاسل رو آورد..

چه می خواهی..؟ خدا مهربان است.. باز می خوانم.. هنوز وقت بسیار است..!! هر وقت که او را به جماعت و نماز گزاری تشویق می کنم، همین گونه، پاسخ می دهد.. می ترسم رفقای سوء بر او تأثیر منفی وارد می کنند: احیاناً از برخی از آنان حرف می زند.. فکر کردم که چگونه بتوانم از همنشینی با آنان بازش بدارم.. شاید نصیحت آن قدر کارگر نیفتد..

چرا با جوانانی معرفی اش نکنم که از ایشان تأثیر بگیرد؟

همسر خواهر خوانده ام جوانی ملتزم و نیکو کار است.. به جانب تلفن شتافتم.. به خواهر خوانده ام، سلام کردم و از این فکره آگاهش نمودم، و شوهرش را نیز تشویق کردم.. به شوهرم اطلاع دادم که خواهر خوانده ام به زودی به دیدار ما می آید و همسرش او را همراهی خواهد کرد..

پس از یک هفته، ایشان به دیدار مان زحمت کشیدند..

قلبم از خوشی می تپید.. شاید خداوند محبت آن جوان صالح را در ژرفای قلب او بیفگند.. به هر پیمانه که وقت دیدار به درازا می کشید، بر ضربان قلبم افزوده می شد..!

در دم دروازه با خواهر خوانده ام وداع کردم .. و با شتاب به سوی شوهرم بازگشتم.. نشستم و با نیرومندی انگشتانم را می فشردم.. منتظر بودم که چیزی بگوید..!

چشمم هنوز از چشمانش بازنگردیده بود.. که گفت: جوانی با لطف و خوش خلق بود.. اما دیگر علاقه یی به دیدار وی نشان نداد.

با وسایل وراهکارهای گونه گون کوشیدم که او را به ادای نمازها و رفتن به مسجد متقاعد سازم.. حالا اهتمام من نسبت به او، پس از آن که کودکی از وی به دنیا آورده ام افزایش یافته است..

شب هایی دراز بیدار خواب و در عین حال تنها می باشم..

او با همراهان و دوستان خود. لبخند و قهقه می زند و من با کودک خود می گریم..

برای هدایت او بسیار دعا کردم.. با خود فیصله نمودم که نمازشب را در اطاق خواب و در جوار او، ادا نمایم، شاید با این کار، قلبش بیدار شود و به آگاهی برسد..

احیاناً بیدار می شود و می بیند که نماز می خوانم..

و در روز، ملاحظه می کنم که از نماز و قیام من تأثیر پذیرفته است..!

شام یک روز، برایم اطلاع داد تا کالایش را آماده کنم.. غرض اجرای کاری به سفر خواهد رفت.

ندانستم که در حرفش چقدر صادق بود؟

غالباً سفر می کند و تماسی با ما ندارد

و گه گاه که تماس می گیرد، فقط آدرس اطاق و نمبر تلفن خود را می دهد..

هنگامی که در تلفن صحبت کند، می دانم کجا است..

اما بسیاری اوقات نمی دانم کجا می رود..

به هر حال در مورد مسلمان گمان نیک باید داشت..

در جریان مسافرت در حقش دعای خیر کردم.. و یک روز پس از سفر خود.. با من تماس گرفت. این هم نمرهٔ تلفن.. الحمدلله..

سه روز تمام، صدایش قطع شد.. و در روز چهارم بار دیگر در تلفن آوازش را شنیدم.. نزدیک بود، او را نشناسم.. آوازی دردناک.. چه رخ داده؟ ان شاء الله شب باز می گردم.. در این شب از گریهٔ بسیار او، نخوابیدم.. آخر برایت چه اتفاق افتاده؟.. چون طفل فقط می گریست!!

مراهم گریان گرفت، و ازحادثه چیزی نمی دانستم..!

پس از سکوتی طولانی. به سوی من چشم می دوزد.. و اشک ندامت از روی گونه هایش عبور می کند..!

آخرین قطرهٔ اشکش را پاک کرد، و گفت: سبحان الله، رفیق همسفر و همکارم.. به منظور اجرای کاری یکجا سفر کردیم.. اطاق خواب ما در کنار هم واقع بود. فقط یک دیوار ما را از هم جدا می کرد.. نان بیگاه را صرف نمودیم.. و بر سر میز نان بسیار صحبت کردیم.. و خندیدیم.. خواب از چشمان ما فرار کرده بود، به بازار رفتیم.. دو ساعت تمام پیاده گشتیم.. و از چشم چرانی های ناروا هم دریغ نکردیم..

پس از بازگشت هر یک به اطاق خواب رفتیم.. شب، خوابی لذت بخش داشتم.. ساعت هفت و نیم صبح نماز خواندم..

با او تماس تلفنی برقرار کردم که بیدار شود.. پاسخ نداد.. دوباره تماس گرفتم.. شاید شاور بگیرد.. باری دیگر تلفن نمودم.. جوابی نبود!

خوب، ساعت هشت و نیم است، از موعد کمی ناوقت شده.. دروازه را زدم اصلاً جوابی نیافتم..!

به دفتر رهنمای رستورانت تماس گرفتم، شاید بیرون رفته باشد؟

و لیکن آنان گفتندکه او در اطاق است..

ناچار اطاق را باید باز کنم وببینم..

در موقفی هراسناک قرار می گیریم.. کلید احتیاطی اطاق را آوردند.. اطاق بازشد.. او خواب است.. صدا کردم: یا صالح! یا صالح! آوازم را اندکی بلند تر کردم وبه آن نزدیک شدم.. گویی خواب است ولی زبانش از دهن بیرون شده بود.. ورنگش تغییر خورده، می نمود.. صدایش کردم.. هیچ گونه حرکتی نکرد..

گزارشات طبی می گفت: او شب گذشته به اثر سکتهٔ قلبی در گذشته است.. آه، آن همه تندرستی و عافیت وجوانی کجا شد؟ شب گذشته یک جای بازار رفتیم، از هیچ چیزی شکایت نداشت. نه از بیماری و نه..

کمی به خود آمدم. و گفتم: این مرگ ناگهانی است نمی دانیم چه وقت می آید. شاید بدون مقدمه به سراغ آدمی بیاید.

از خود پرسیدم: کو عمل؟ و کو توشهٔ آخرت؟

دانستم که واقعاً در پیشگاه خدا خیلی مقصرم.

شوهرم سکوت کرد. گریست و مراهم به گریه اورد.

خدا را بر این هدایت، سپاس گفتم. پس از آن، زندگی خوب و ستودنی داشتیم؛ چنان که قبلاً در رؤیا می دیدم.

در هفتهٔ آینده..

از آن همه، تلاش و کوشش من در راه هدایت شدن خود، تشکر کرد. و برایم اطلاع داد که در اخیر هفته جهت ادای عمره به مکهٔ مکرمه خواهیم رفت. تا برگی جدید از زندگی پربار و خوشبخت خود را آغاز نماییم.

از خوشی می گفتم پرواز کنم. چون از وقتی که ازدواج کرده ام به مکه نرفته بودم. چاشت آن روز به حرم شریف رفتیم.

خداوند چیزی را که در رؤیا می دیدم به تحقق رساند.

با فرزندم پیش روی کعبه ایستادم.. اما توان دعا کردن را از دست داده بودم. چون خیلی می گریستم و دلم به تپش آمده بود..

فردا باید طواف وداع را به جا می آوردیم و از این خاک مقدس رخت سفر می بستیم پس از طواف وداع.. از حرم بازگشتیم و برای سفر آماده می شدیم.

اینها چه هستند با خود گرفته یی؟

این "جامع العلوم والحکم" ابن رجب است.

و این هم "زادالمعاد" ابن قیم

و "وابل الصیب" ابن قیم و چند کتاب دیگر.

و این یک قرآن کریم جیبی که همیشه باید با من باشد.

همسرعزیزم..

این است نشانه های راه ما در سفر درازی که به آخرت داریم.

بعداً در حالی که کوله بار سفر را حمل می کرد، این نیایش الهی را تکرار می نمود "**رب اجعلني مقيم الصلاة و من ذريتي ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفرلي و لوالدي و للمؤمنين يوم يقوم الحساب**".

گرد همایی سران گروه هشت و اصلاحات در شرق میانه

وحید مژده

هفتهٔ گذشته سران هشت کشور صنعتی جهان در سی آیلند ایالت جورجیای امریکا گرد هم آمدند تا در پیرامون اوضاع فعلی جهان و اتخاذ یک تصمیم مشترک در مورد آن به بحث و تبادل نظر بپردازند. این گردهمایی که به وضوح تحت تأثیر جریانات اوضاع عراق بود، روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته با صدور قطعنامه یی به کار خود پایان داد. در پای این قطعنامه کشور های ایالات متحدهٔ امریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه، روسیه، آلمان، جاپان و ایتالیا امضا کردند.

در قطعنامه در کنار مسایلی چون تسهیل در شرایط بازپرداخت وامهای کشور های فقیر آفریقا ایی و تهدید ایران برای تلاش در جهت به دست آوردن تکنولوژی اتومی و در مورد اصلاحات در خاور میانه نیز بحث صورت گرفت.

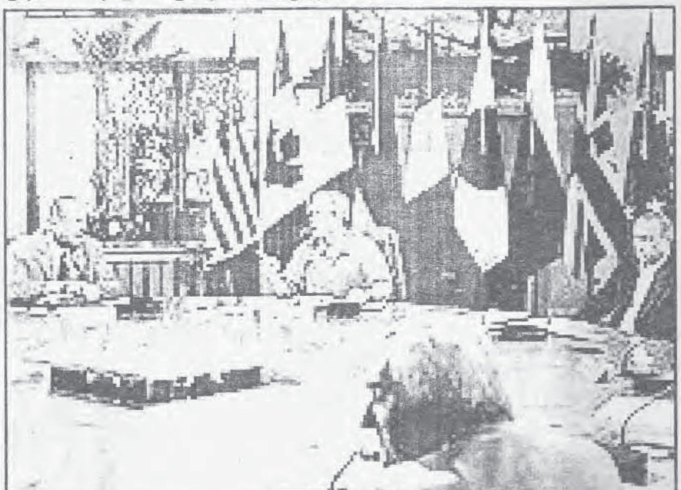
اگر به سابقهٔ تلاش های امریکا برای ایجاد اصلاحات دموکراتیک در خاور میانه توجه کنیم می بینیم که تا قبل از واقعهٔ یازدهم سپتامبر، امریکا در خاور میانه بیشتر با کشور هایی دوست و هم پیمان بود که رژیم های حاکم بر آنان کمتر به اصلاحات دموکراتیک توجه داشتند. اما واقعهٔ یازدهم سپتامبر، مسائل جدیدی را بر روابط امریکا با کشور های خاور میانه مطرح کرد ومعیار هایی جدید کسب اهمیت نمود.

امریکا با حمله به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، قدمی به سوی دیکته کردن ارزش های دموکراتیک به کشور هایی برداشت که بیشتر به شکل دیکتاتوری اداره می شدند. حمله به عراق و سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین پیروزی دیگری برای نومحافظه کاران قصرسفید و پنتاگون بود. شکست صدام حسین بیش از این که جلوگیری از یک خطر بالقوه در داخل عراق باشد، نمایش قدرتی برای کشور هایی دیگر بود که حرف ناشنو به شمار می آمدند.امریکا در روز های آغاز اشغال عراق می گفت که عراق در آینده الگوی یک نظام دموکراتیک برای تمام شرق میانه خواهد بود.

از آن به بعد امریکا در هر مجالی بر لزوم اصلاحات در خاور میانه تأکید می کرد به حدی که کنفرانس اخیر سران عرب نیز به جای این که توجهی به کشتار فلسطینی ها توسط سربازان اسرائیلی داشته باشد، بر لزوم اصلاحات در کشور های خاور میانه تأکید داشت.

در سطح بین المللی نیز امریکایی ها لزومی نمی دیدند تا با کشور های دیگر اروپایی چون فرانسه و آلمان از در تفاهم درآیند. امریکا گمان داشت که همه چیز را می توان با نیروی برتر نظامی حل کرد و نیازی حتی به همراهی با سازمان ملل متحد نیز نیست.

اما گذشت ایام، اشتباه این نظر را نشان داد. وقایع عراق به وضوح نمایانگر آن بود که در جهان اسلام دیکته کردن ارزش های غربی نمی تواند قرین موفقیت باشد. امریکایی ها با کمال تعجب دیدند که مردمی که در برابر دیکتاتوری قسی القلب چون صدام حسین خاموش بودند ، در برابر نیروهایی که ادعا دارند عراق را آزاد کرده اند باحملات فدایی عکس العمل نشان می دهند. آیا این حقیقت نشان از آن ندارد که ملل شرق ستم دیکتاتوری داخلی را بر اشغال خارجی ترجیح می دهند؟



امریکا در ابتدا با گماشتن پل بریمر به عنوان حاکم امریکایی عراق، به استعمار کلاسیک روی آورد اما این تجربه به شکست مواجه شد.

تجربهٔ حاصل از عراق و افغانستان را می توان در قطعنامهٔ پایان اجلاس گروه هشت به وضاحت مشاهده کرد. دراین قطعنامه موضوع اصلاحات دموکراتیک به شرایط خاص و وضع هر کشور رابطه داده شده و تصریح به عمل آمده است که تغییرات را نمی توان از خارج به دیگران تحمیل نمود. هر جامعه با شرایط خاص خود میزان سرعت تغییرات را مشخص خواهد ساخت. این در حالی است که نومحافظه کاران در آغاز کار به تغییرات تدریجی اعتقادی نداشتند و خواستار اصلاحات سریع در ساختار نظام های حاکم بر شرق میانه بودند. حتی چنین تحلیل می شد که اصلاحات سریع در شرق میانه به این دلیل لازم است تا از تندروی ها بکاهد و زمینهٔ استقرار یک صلح پایدار را میان اسرائیل و همسایگان عربش فراهم آورد.

اما تجربهٔ دو کشور افغانستان و عراق نشان داد که روند دموکراتیزه کردن یا دیکتهٔ دموکراسی بیش از این که به کمک خارجی نیاز داشته باشد، نیازمند زمینه های داخلی است و چه بسا که دخالت ها و دیکته های خارجی مردم را به جای این که نسبت به ارزش های دموکراتیک علاقه مند سازد، از این ارزش ها یک سره دل سرد و متنفر نماید.

در ابتدا امریکایی ها روی مهره هایی بیشتر حساب می کردند که کاملا گوش به فرمان واشنگتن باشند. اما این عناصر نتوانستند در میان ملت جای پایی بیابند و از حمایت گستردهٔ مردمی برخوردار گردند.

در عراق گمان بر این بود که عدنان باجه چی که فرد مورد نظر امریکا بود به حیث رئیس جمهور مؤقت عراق انتخاب گردد. اخضر ابراهیمی نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد برای عراق نیز هوادار باجه چی بود اما شورای حکومتی عراق از این که امریکا با یک رئیس جمهور تحمیلی به حیثیت شورای حکومتی عراق صدمه بزند مخالف بود و همان بود که با کنار رفتن باجه چی، غازی الیاور کسی که در مواردی بر امریکایی ها انتقاد نیز کرده و به عنوان یک شخصیت مستقل شناخته می شد رئیس جمهور انتخاب گردید.

غازی الیاور از قبیلهٔ شمر و برادرزادهٔ رئیس این قبیله است. قبیلهٔ شمر با سه میلیون نفوس شیعه و سنی در کشور های سوریه، عربستان سعودی و عراق، یکی از قبایل پرقدرت در عراق به شمار می رود. غازی الیاور در امریکا تحصیل کرده و تا قبل از سرنگونی رژیم صدام حسین در عربستان سعودی به تجارت مشغول بود.

این تغییر در سیاست امریکا نشانه یی از شکست افرادی است که به نزدیکی با امریکا مشهورند و امریکا اکنون پی برده است که روند دموکراتیزه کردن در شرق میانه را نمی توان در کوتاه مدت و آنهم به کمک چنین عناصری به پیش برد.

یو ولس تنه دچینائي انجنيرانو وژني په تور ونیول شول

دخبري سرچینو په وینا دشپږم لمبر قول اردو قوماندان جنرال محمد داوود دکندز او بغلان ترمنځ، دسړك جوړولو دیوي چینائي ډلي، دانجنیرانو د وژلو په تور یوولس تنه نیولي دي.
دده په وینا نیول شوي کسان له طالبانو او تندلارو ډلو سره اړیکي لري بلخوا د چین د داورګادي، تجارتي مقاماتو او ډیپلوماتانو یوه ډله، چي مشري ئي داورګادي د وزیر مرستیال پرغاړه لري کابل ته د را رسیدو پرمهال وویل:
پلاوي ته دنده سپارل شوي ده ترڅو پرچیني کارکونکیو دوسله وال برید دلیل او څرنګوالی وڅیړي، ده زیاته ئي کړه دچین حکومت به له دغه راز ګواښونو ونه ډاریږي. او په افغانستان کي به دبیا رغاوني په کارونو کي خپلو فعالیتونوته دوام ورکړي.
دیادوني وړ ده چي دشلو وسله والو برید کونکیو لخوا، لس تنه چینایان ووژل شول او پنځه تنه نور ټپیان شول په پیښه کي یو حکومتي سرتیري هم وژل شوي چي داکار دکرکي او غوسي سبب ګرځیدلي دي.

ایتالیا نیروی تازه به افغانستان می فرستد

ایتالیا می گوید در اثر تقاضای ناتو جهت تأمین امنیت در دوران انتخابات آینده درافغانستان اعزام چندین صدعسکر بیشتر را به این کشور، تحت غور گرفته است.
براساس گزارش رادیو صدای آشنا صدراعظم ایتالیا گفته است که شاید یک کندک عسکر را به افغانستان اعزام کند. ایتالیا حدود یک هزار عسکر در افغانستان دارد که جزء قوای ائتلاف بین المللی می باشند. وگفتنی است که سه هزار عسکر ایتالیا در عراق مستقر است.

ملاجانان کشته شد

در جریان یک عملیات مشترک نیروهای افغانی وائتلاف بین المللی روز۱۹ جوزا در ولسوالی دای چوپان ولایت زابل ۲۱ تن از افراد مظنون طالبان کشته شده اند. براساس اظهارات مقامات محلی ملا جانان یکی از اعضای ارشد طالبان کشته شده وسه تن به شمول یک نفر چچینی دستگیر شده اند. در این عملیات دوتن از نظامیان امریکایی نیز زخمی شده اند.

افزایش نقش زنان در قاچاق مواد مخدر

قرار گزارش مسؤولان امنیتی شهر کابل، در این اواخر نقش زنان در قاچاق مواد مخدر افزایش یافته است. نیروهای امنیتی در یک هفتهٔ گذشته مقدار زیاد تریاک وچرس را از نزد زنان کشف وضبط کرده اند که از جلال آباد به کابل انتقال می یافت.

انتخابات، شک و ...

هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نشده است.

در حالی که مدتی کم به برگزاری انتخابات با قی مانده است.

شماری از شخصیت های مربوط به نهاد های سیاسی در کشور و شخصیت های مربوط به نهاد های بین المللی با عنوان کردن علل و عواملی به تاخیر افتیدن انتخابات را می خواهند توجیه نمایند. در هفتهٔ گذشته آقای خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در کابل، ضمن تأکید بر اجرای بر نامهٔ خلع سلاح سراسری گفت: انتخابات در صورتی که شبه نظامیان سلاح های سنگین خود را تا پایان ماه جولای تحویل مقامات ندهند نمی تواند منصفانه برگزار شود.

سازمان ملل، عدم هزینهٔ کافی برای انتخابات را یکی دیگر از عواملی خوانده است که ممکن انتخابات به موعد معین برگزار نگردد. آقای ما نویل سخنگوی ملل متحد در کابل گفته است هر گاه مبلغ بیش از هشتاد میلیون دلار وعده داده شده ازجانب کشور ها و سازمانهای بین المللی تاپایان ماه جون تادیه نشود ، ممکن است برگزاری انتخابات به خطر مواجه شود.

ابراز این نظریات بیانگر عدم همآهنگی میان اظهارات مقامات دولتی و افراد ونهاد های بین المللی است که بیشتر در تصمیم گیری های عمدهٔ سیاسی و اجتماعی افغانستان نقش دارند.

مردم افغانستان پس از سالهای بحران و عدم موجودیت زعامت بر مبنای ارادهٔ همگانی، خواهان آنند تا انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی همزمان در وقت معین برگزار گردد.

وزعامت ملی افغانستان بتواند مشروعیت قانونی یابد و در برابر ملت پاسخگو و مسؤول باشد.

احمد مسیح

رئیس دولت خواستار تقویت ...

که علاوه برحدود ۲۰ هزار نظامی خود در افغانستان نیروهای بیشتری را به این کشور اعزام کند.

آقای کرزی در سخنان خود در واشنگتن گفته است که ایالات متحدهٔ امریکا تعهدات گسترده یی را در افغانستان متقبل شده وبه این کشور برای مقابله با تروریسم وحفظ امنیت مرزها، کمک می کند.

در حال حاضر کشورهای عضو ناتو حدود ۶۰۰۰ نظامی را در کابل مستقر کرده اند واین سازمان وعده داده است که حوزهٔ مأموریت خود را به سایر نقاط گسترش خواهد داد.

اما برخی از اعضای ناتو از ارسال تجهیزات مانند هلی کوپتر وهواپیمای نظامی به افغانستان خودداری می ورزند.

در حالی که دولت افغانستان تأکید داشته است که انتخابات عمومی طبق برنامه در ماه سپتامبر برگزار خواهد شد، ادامهٔ ناامنی در برخی از مناطق کشور باعث بروز نگرانی هایی در مورد مسایل امنیتی در جریان انتخابات شده است.

واده دی پردی، په کې غورځي لیونی

محمد انور ولید

که دی لاسلیك زده کړی، له واره مدیر یې. او که دی داحکامو وړکولو چل ول یاد کړ، نو بیا خو دي کوټه بخت له سره وزسره ویښ شو. او که دي لږه پردی ژبه ورسره زده کړه او بهرنیان دی په لر او ډیرو. هلته او دلته پرې ډیوهولی شوای نو بیا خو دکومې NGO دایرکټر یې. دپلار خولی دی په غوږیو کې ده. کمپیوټر به دی مخې ته ایښی. او دایمیلونو او اینټرنټ په مرسته او دکیبل سیستم په برکت به دنړی له هر پټ راز سره ترلی وې. دواك پرګدی به ناست وی. نوکران به ستا په چوپړ کې لاس په نامه ولاړ وې، دولتی مامورین او نور به ستا په صفتونونه مړیږی. او نظامیان به درته په دوپړقه سلامی ولاړوی. د دولت او ملت دعایداتو په خورجین کې به دي خوله منډلی وی. بیا مری او چرچی کوه. دلته دتعلیم او تخصص خبره نه ده مطرح. سمدستی چې رواکی او مقام نې چی یوخل د واك پر ګدی کښیناستې. نو بیا په هر روا او ناروا کارکی سپین باز ګرځه: څه چی کوی. کوه یې، آسپه دی خپله. لښته له څنګله. نن یې ته وهې نو کله. چی پرګومه خوایې څغلوې. څغلوه یې او نیزې وړباندې وهه. چی همدا نن دي وار دی. که یوخل له دې ځوکی ولویدی. بیا نو خدای خبر چی څوك به غوا وي هم دړباندې ونه پیایي. څکه چی نه پردین باندې خبریې. او نه پر خپل دود دستور. نه کومه مسلکی پوهه لرې. او نه دامی مهارت چی دخلکو دارتیا سترګی دروازوی. هغه ناروغی چی ته وړباندی اخته یې. هغه لویدلی غیر انسانی اخلاق او بی سوادی ده. اوس غواړی چی ټول وړباندی اخته کړې: ترڅوستا او نورو ترمنځ توپیر ونه شی. که نه کومه ناروغی چی ته دریښته ده. له هغونه ټوله انسانی نړی نجات غواړی او ته یې لاپسې خوروې. مرګ په دامی وال چی خپله او پردی ټوله هستی اونیستی په خونړی سیندکې وړلاهو کړی. خپله دنشو په سردروکې دخمارو چکرې وهی. او ملت دبی وسی دنهنګانو خوراك کړی او پردی واده ته ځنی غوړوی. هغه متل دی چی وایې: واده دی پردی په کې غورځی لیونی.

تأخیر انتخابات به سود هیچ کسی ...

آن را مشخص نکرده است. این قانون همچنان دوایر انتخاباتی وتفاصیل وجزئیات مسائل انتخابات را روشن نساخته و آنها را به فرمان رئیس دولت موکول کرده است، برخی از تحلیلگران به دلائلی از جمله عدم صراحت قانون انتخابات در بارهٔ وقت برگزاری آن عقیده دارند که شاید انتخابات برگزار نشود ولی تا هنوز در اینجا(کابل) هیچ مرجع رسمی به تأخیر افتادن آن را اعلان نکرده است، تنها آقای زلمی خلیلزاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا ونمایندهٔ ویژهٔ رئیس جمهوری آمریکا در افغانستان، در جمعی در هفتهٔ گذشته در کابل گفت که اگر جنگ سالاران سلاح های خود را نگذارند وبه برنامهٔ ملکی سازی D.D.R تن در ندهند، انتخابات پارلمانی به تاخیر خواهد افتاد. واین اظهارات آقای خلیل زاد مخالف قانون اساسی است، چون قانون اساسی می گوید که دولت تلاش می ورزد تا انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی در یک وقت برگزار سود.

آقای واقف در جواب پرسشی که اگر دولت انتخابات را به تأخیر بیندازد، این کار به توافق آمریکا صورت خواهد گرفت. اظهار داشت:

"تاهنوز دولت در این زمینه چیزی روشن نگفته است تا آن را مسؤول بدانیم، اگر چنین کاری صورت بگیرد بدون توافق با آمریکا صورت نمی گیرد. اما به تأخیر انداختن انتخابات به سود هیچ کسی نخواهد بود، زیرا برپایی دموکراسی که قانون اساسی کشور - که در لویه جرگه به تصویب رسید- بدان تصریح دارد جز برپایهٔ انتخابات آزاد، چه انتخابات ریاست جمهوری وچه انتخابات پارلمانی تحقق نمی یابد. از این قبیل اظهارات در بارهٔ به تأخیر انداختن انتخابات شک وتردیدهایی را در بارهٔ مصداقیت دموکراسی در افغانستان درمیان مردم به وجود می آورد.

حزب شهنوازتنی رسمی ...

فضل الرحمن اوریا مسؤول حزب دموکراسی بر این عقیده است که شکل گیری یک جبههٔ مشترک از سوی احزاب دموکرات آنها را به هدف مشترک نزدیک می سازد. قسیم اخگر تحلیل گر مسایل سیاسی افغانستان در مورد احزاب سیاسی می گوید: دیده شود که آیا حزب سیاسی به معنی واقعی آن در افغانستان وجود دارد؟ ایجاد جبهه های سیاسی فرمایشی ممکن است خود احزاب را متضرر سازد.

تحلیل گران مسایل سیاسی بر این نظرند که ممکن است امریکا در صدد آن باشد تا یک حزب یا گروه را مطرح کند و آن را از میان احزاب دموکرات در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری معرفی بدارد.

سیاسي فرهنګي مبارزه دنظام ...

ځینو وویل چې استاد له کرزي صاحب سره ائتلاف وکړ او ځینو ولیکل چې په غونډه کې د دولتي څوکیو د ویش په باب خبري وشوي خو اصلاً خبري په هغه ستونزو څرخیدي چي اوارول ئي د ورځي یو ضرورت دي.

دساري په توګه د دین او دیموکراسي، دین او سیاست، انتخاباتو، امنیت، بې وسلي کولو، ترهګرى، دښځو دحقوقو، دبشر دحقوقو، دنړیوالي ټولني دحضور، دطالبانو، وحدت ملي، دبې باوري دبحران، ملي هویت او په سلګونو داسي نورو مسئلو په باب خبري اتري وشوي. داټولي هغه قضایاوي دي چي باید څو اړخیزه بحث پري وشي او دهغوي په باب یو تفاهم منځ ته راشي.

استاد په هیواد کي د دیموکراسي په باب وویل: فکر کوم څوك چي په اسلام کي ژوره مطالعه ولري او دیموکراسي غوره وبولي اصلاً په دي برخه کي هیڅ پوښتنه ورته نه پیداکیږي یو، دديموکراسي قالب بندي ده او بیا دهغي هدف او محتوي ده. دیموکراسي کومو شیانوته وائي؟ دیموکراسي یعني دِلـه ییز حکومت. یعني آزاد انتخابات او برابري ... دیموکراسي غواړي د دي له پاره چي د دیموکراسي په محتوي کي انساني کرامت او دانسان آزادي ته درناوي دي. انسان پخپله آزاد دي. انسان لوي پروردګار یو کرامت لرونکي موجود پیدا کړي، خپل سرنوشت پخپله په آزادانه توګه ټاکي. هیڅوك حق نه لري چي څوك له آزادی نه بي برخي کړي.

> سکولاریسم په اروپائي ټولنه کي هغه فاکتور دي چي دکلیسا او امپراطوري په وړاندي دخلکو دکشمکشونو څخه پیدا شوي

سیاسي زعامت هم دخلکو د ارادي له مخي ټاکل کیږي چي دغه ټول له اسلام سره ضدیت نه لري، آزادي زموږ مشروع او طبیعي حق او دا اصلاً یو اسلامي حق دي. په اسلام کي دبرابري، آزادي او انتخاباتو مسئله پوره روښانه ده.

سکولاریسم په اروپائي ټولنه کي هغه فاکتور دي چي دکلیسا او امپراطوري په وړاندي دخلکو دکشمکشونو څخه پیدا شوي. خلکوته ني حق نه ورکاوه چي دخپل سیاسي مشر په باب تصمیم ونیسي. نو خلکو چي بلـه لاره ونه موندله په پاي کي ئي له خونړیو مبارزو وروسته وویل چي دین دي له سیاست نه جلاوي خو په اسلامي نظام کي هیڅکله هم دین له سیاست نه بیل نه دي.

استاد له دغه راز تحلیل او ارزیابي څخه معلومیږي چي دوي پخواهم دخلکو اراده لوړه بللي او اوس هم دخلکو غوښتني، هیلي او امیدونه لوړ بولي، دوي دیموکراسي او ولسواکي یو غوره نظام بولي او د دیموکراسي اساسي سنتني او اصول چي هغه بشري کرامت او بشري حقوقوته درناوي. مساوات. دِلـه ییزه او ولسواکه اداره دبیان او مطبوعاتو آزادي او دانسان ټولو طبیعي آزادیو ته درناوي دي داسلام له عالي روحیې سره برابر بولي.

موږ هیله من یوو چي دجمعیت اسلامي دبیا سازمان ورکولو او دنوي دریځ اعلام چي په هغه کي په سیاسي .فرهنګي مبارزي، سوله ییز موقف، خبرو او دیالوګ او مسالمت امیزه ګوندي .سیاسي سیالیو ټینګار شوي په هیواد کي د اسلامي نظام داصولو او معتبرو موازینو له مخي دیو ولسواکه او ملي نظام په جوړښت او دملي زعامت په ټاکنه کي ستره اغیزه ولري او زموږ هیواد له تیر اوږد بحران او سیاسي بي ثباتي څخه وژغورل شي.

استاد دخپلو خبرو په دوام وویل ولي خلك

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ یازدهم چهارشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۸۳ ۲۸ ربیع الاخر ۱۴۲۵ - 16 June 2004

حزب شهنوازتنی رسمی شد

جنبش صلح افغانستان یا دافغانستان دسولی غورزنگ به رهبری شهنواز تنی وزیر دفاع حکومت کمونیستی هفتهٔ گذشته از سوی وزارت عدلیه مجوز فعالیت دریافت کرد.

این دومین حزبی است که در رهبری آن افراد بلند پایهٔ رژیم کمونیستی قرار دارند. شهنواز تنی پس از آن که در انجام کودتایی علیه دکتر نجیب ناکام ماند به پاکستان فرار کرد ومورد حمایت حکمتیار قرار گرفت. در سال ۱۳۷۲ حزبی سیاسی را بنیاد نهاد. بعداً وی با طالبان، همکار شد ودر بیشتر برنامه های آنان مستقیم سهم داشت. وگفته می شود در بسیاری از موارد چرخ ماشین نظامی طالبان را افراد وابسته به وی در حرکت می آوردند و در صفوف طالبان از نفوذی گسترده برخوردار بودند.

بیشتر اگاهان به این نظرند که تعدد احزاب درکشوری مانند افغانستان که بحران اعتماد در آن هنوز حاکم است تا چه حدی می تواند تامین کنندهٔ وحدت ملی، دموکراسی وجامعهٔ مدنی باشد.

هفتهٔ قبل آقای زلمی خلیل زاد سفیر امریکا در کابل در دیدار با رهبران احزاب تازه تاسیس به اصطلاح دموکرات کارمشترک این احزاب را مطرح ساخت وآنها را تشویق به وحدت نظر کرد. وی گفت: موجودیت چند گانگی احزاب اصلاح طلب ودموکرات به ضرر خود آنها تمام خواهد شد.

کبیر رنجبر از حزب دموکرات افغانستان که او نیز از بلند پایگان حزب کمونیست افغانستان است. در این نشست حضور داشت عملی شدن این طرح را دور از امکان ندانست. ص۷

گل آغا شیرزوی حزبش را اعلان کرد



گل آغاز شیرزوی وزیر شهرسازی ومسکن، حزب جدیدی را به "نام عدالت اجتماعی" در ولایت کندهار اعلام کرد.

این خبر را شام ۲۴ جوزا رادیوی بی.بی.سی اعلام نمود.

این نخستین حزبی می باشد که در مناطق جنوب غربی افغانستان اعلام موجودیت کرده است. گل آغا شیرزوی که خود این حزب را رهبری می کند در اجتماعی در شهر کندهار که سران قبائل و اراکین دولتی در آن حضور داشتند، حمایتش را از آقای حامد کرزی در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری ابراز داشت.

وی از طالبان خواسته است که سلاح شان را بر زمین بگذارند وبه فعالیت سیاسی روی آورند. او گفته است: افرادی که دست شان به خون آلوده نباشد می توانند در حزب او عضویت حاصل کنند.

گل آغا شیرزوی گفته است که اسمای هیأت اجرائیهٔ این حزب را بعداً اعلان خواهد کرد.

آقای شیرزوی را می توان نیرومند ترین فرماندهٔ محاذ ملی اسلامی به رهبری پیرگیلانی دانست.

سران روسیه وتاجیکستان باهم دیدار کردند

پانزدهم جوزا ولادیمیر پوتین وامام علی رحمانوف، رؤسای جمهور روسیه و تاجیکستان به یک سلسله توافقات دست یافتند که به دور از انتظار بسیاری از تحلیلگران بود.

قرار است در جریان سفر رئیس جمهوری روسیه به تاجکستان در اواخر سال جاری میلادی اسناد مربوط به توافقات. به امضا برسد. اهمیت این توافقات گفتگوهایی داغ را درمیان کارشناسان برانگیخته است.

در نتیجهٔ این دیدار، قرار است که پایگاه نظامی روسیه در تاجیکستان شکل بگیرد و زمین های تحت اختیار آن پایگاه در این کشور به طور نامحدود و رایگان به روسیه تعلق بگیرد و رصدخانهٔ نارک نیز به روسیه واگذار شود.

به گفتهٔ مقامات روسیه، امام علی رحمانوف از ولادیمیر پوتین خواسته است که مرزبانان روسیه را تا سال ۲۰۰۶ میلادی در مرز میان تاجیکستان و افغانستان نگه دارد. در حالی که رئیس جمهوری تاجیکستان در سخنرانی سالانهٔ خود از پیش اعلام کرده بود که به زودی وظیفهٔ مراقبت از این مرز کاملاً به مرزبانان تاجیک محول خواهد شد.



پوتین رییس جمهور روسیه ورحمانوف رییس جمهور تاجکستان

بررسی زندان های آمریکا در ...

نبی صدیقی یک افسر افغانی در خصوص اذیت وآزار جنسی ادعا کرده است که در بازداشتگاه ها ی نیروهای ائتلاف ، مورد آزار جنسی و جسمی قرار گرفته است .

سازمان دیدبان حقوق بشر همچنان از بیدار خوابی اجباری زندانیان انتقاد کرده وگفته است که زندانیان برای مدت طولانی درسرما نگهداری می شوند .

یک عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت: ۶۶ مورد تخطی از حقوق بشر توسط نیروها ی ائتلاف بین المللی در افغانستان صورت گرفته است که می توان از بمباردمان محلات مسکونی ، کشتار غیر نظامیان ، بدرفتاری بازندانیان ، برهنه کردن کودکان در هوای سرد زمستان به بهانهٔ تلاشی ...وغیره آنها نام برد.

حق نظارت بر انتخابات را نباید هدیه کرد

پنج حزب سیاسی در افغانستان مجوز نظارت بر روند ثبت نام رأی دهندگان وانتخابات آینده را دریافت کرده اند.

احزاب کار و توسعه، جمهوری خواهان، افغان ملت، نهضت آزادی ودموکراسی وهمبستگی جوانان افغانستان ا زنخستین احزاب ثبت شده در وزارت عدلیه پس از تصویب قانون احزاب می باشند. قرار است این احزاب بر روند انتخابات و آمادگی های پیش از آن نظارت کنند. در این خبر واضح نگشته است که این احزاب بر مبنای چه اصلی و از جانب کدام نهاد قانونی چنین صلاحیتی را دریافته اند.

درحالی که تاکنون ۲۱ حزب رسماً در وزارت عدلیه ثبت شده اند. آیا انتخاب پنج حزب به عنوان نظارت کنندهٔ انتخابات بر اساس رأی ونظر سایر احزاب ونهادهای سیاسی بوده است؟ در صورتی که چنین توافقی مطرح نبوده باشد، این کار اعتبار آنها را زیر سؤال خواهد برد در حالی که هر حزب سیاسی به خاطر مطمئن بودن از نتایج انتخابات حق دارد تا از شیوهٔ برگزاری انتخابات نظارت کند به ویژه احزابی دارای کاندیداها برای ریاست جمهوری وپارلمان هستند.

به خاطر این که سهم هر یک از احزاب در کمیتهٔ نظارت تأمین می گردید باید نماینده هایی از احزاب صاحب نفوذ در جامعه در این کمیته حضور می داشتند تا اصل مساوات و دموکراسی می توانست به نحوی درست تبارز می یافت.

به اساس گزارش رادیوی بی.بی.سی۲۴ جوزا بنیاد انتخابات آزاد وعادلانه در کابل اعلام موجودیت کرد. مسؤولان این بنیاد می گویند که به زودی اعتبار نامه ومجوز فعالیت را از دفتر مشترک انتخابات دریافت خواهند کرد.

اعلام این خبر می تواند از دیدگاه هایی مختلف مورد بررسی قرار گیرد. پیشتر از هرچیزی قابل توجه است، نهادی که تاکنون اعتبار نامه ومجوز فعالیت ندارد روی کدام معیاری نام بنیاد انتخابات را برخود می گذارد. وحرف قابل تأمل این که چنین نهادها با داشتن کدام معیار و اصولی می توانند از مردم نمایندگی کنند در حالی که تنها نمایندگان ملت که مورد تأیید باشند می توانند چنین وظیفه یی خطیر وپرمسؤولیتی را به انجام رسانند.

فیصل عبدالله